



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال چهارم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۰

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 4, No. 2, Summer 2021



واکوی الگوی اخلاقی و رفتاری ائمه اطهار (ع) در برخورد با بردگان

ملیحه دانشمند* | شهربانو دلبری** | سیدحسین رئیس السادات***

doi 10.22034/ethics.2022.49819.1448

چکیده

رسم و سنت برده‌داری که مطابق آن یک انسان تحت مالکیت انسانی دیگر قرار می‌گیرد، در آستانه ظهور اسلام و در عربستان رایج بود. گسترش قلمرو اسلامی و فتح مناطقی از آسیا و شمال آفریقا در سده‌های اول و دوم هجری قمری، ورود بردگان و اسرا، زمینه را برای رواج و تقویت برده‌داری در جامعه عرب فراهم آورد و بردگان به ابزار زندگی خانواده‌های مرفه و اشراف جامعه اسلامی بدل شدند. پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) ضمن نقد نگاه ابزارگرایانه به بردگان که در تنافی و تضاد با مبانی حقوق اسلامی است، در رفتار و سلوک فردی خود الگوی اسلامی رفتار با بردگان را به نمایش گذاردند. در این پژوهش تلاش شد - با بهره‌گیری از منابع تاریخی و غیر تاریخی - منش و الگوی رفتاری ائمه (ع) نسبت به بردگان مورد بررسی قرار گیرد و با روش توصیفی-تحلیلی، داده‌های به دست آمده تجزیه و تحلیل شود. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد در شرایطی که نسبت به غلامان و کنیزان - از سر جهل و تعصب - تبعیض روا داشته می‌شد، ائمه معصومین (ع) با نگاهی انسانی و برگرفته از مبانی و آموزه‌های اصیل اسلامی، ضمن حمایت حقوقی و اخلاقی از بردگان، با آزاد کردن و تعلیم و تربیت آنان، عملاً الگویی از رفتار درست و اسلامی ارائه دادند و جایگاه و منزلت بردگان را ارتقا بخشیدند.

کلیدواژه‌ها

اخلاق اسلامی، الگوی رفتاری ائمه معصومین (ع)، رفتار با بردگان، کرامت انسانی.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. | malihedaneshmand@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) | tarikh-2003@yahoo.com

*** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. | sh_rais@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

۱. مقدمه

بنا به شواهد تاریخی و پژوهش‌های معتبر، برده‌داری در شبه جزیره عربستان پیش از ورود اسلام رواج داشته است؛ به طوری که «برده‌داری» یکی از سنجه‌های نظام اقتصادی حاکم بر عرب جاهلی بود. عوامل متعددی از جمله: بهره‌کشی اقتصادی، تجارت، شهوت‌رانی و فرزندآوری (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۱۳۶) از سوی عرب غالب و شکست، بی‌خانمانی، اسارت (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۴)، فقر (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۷، ص ۴۵۶) و بی‌سرپرستی از سوی کنیز مغلوب در گسترش برده‌داری در میان اعراب نقش داشته است. بردگان در حجاز پیش از اسلام، پست‌ترین طبقه اجتماعی عرب را تشکیل می‌دادند و هیچ حرمت و جایگاهی در اجتماع نداشتند؛ به گونه‌ای که پس از خرید برده، ریسمانی به گردنش می‌بستند و او را مانند چارپایان به منزل خود می‌بردند (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۶۱). از نظر آنان، انتخاب همسر از میان کنیزان امری ناپسند و بیشتر برای ازدیاد نسل، بهره‌کشی اقتصادی یا تبارداری برای قدرت بود. عرب با دادن لقب «ولید» به کنیززادگان، جایگاه دون‌پایه آنان را در جامعه روشن می‌ساخت (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۷، ص ۴۷۱).

اسلام سعی کرد با آگاهی بخشیدن به مردم با این سنت غلط مبارزه کند و با وضع قوانین و ارائه دستور العمل‌هایی مؤثر در جهت بهبود منزلت اجتماعی و رهایی تدریجی بردگان اقدام نماید. پیامبر اکرم (ص) در طول حیات خویش با سیره عملی خویش و همچنین سخنانی در ذکر اهمیت آزادسازی بردگان در راه خدا و چگونگی رفتار با بردگان، مسلمانان را به این امر ترغیب کردند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و با گسترش فتوحات و به تبع آن ورود اُسرای جدید از نژادهای متعدد و فراوان، همچنین دوری ائمه (ع) از صحنه سیاست و محروم شدن مردم از سرچشمه احکام الهی، دوباره زمینه‌هایی برای برده‌داری در جامعه فراهم شد.

در این راستا ائمه اطهار (ع) با ارائه الگوی رفتاری مناسب، ضمن حمایت حقوقی از بردگان در راستای ارتقای جایگاه آنان در جامعه تلاش بسیار کردند؛ به طوری که شمار بالایی از بردگان در منزل ائمه (ع) مورد محبت و تکریم قرار گرفتند و با معارف دینی و احکام الهی آشنا شدند.

۱.۱. پیشینه و اهمیت تحقیق

پژوهش حاضر با هدف دست یافتن به الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) نسبت به بردگان به زوایایی از زندگی امامان (ع) پرداخته که به صورت همه‌جانبه کمتر مورد واکاوی پژوهشگران قرار گرفته

است، اما در طرح بحث آن می‌توان از منابع مربوط به زندگی‌نامه‌هایی که برای ائمه (ع) نوشته شده بهره برد. مصطفی حسینی طباطبایی (۱۳۷۲) در کتاب بردگی از دیدگاه اسلام و محمد صادق ایرجی (۱۳۸۰) در کتاب بردگی در اسلام تنها به مبانی بردگی در دین اسلام پرداخته‌اند در مقاله‌ای با عنوان «بردگان از جاهلیت تا اسلام» از عبدالرضا عرب ابوزیدآبادی به بررسی تحلیلی بردگی در دوران جاهلیت و اسلام پرداخته شده است، اما در این آثار کمتر به موضوع الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) نسبت به بردگان نگاه شده و همین نکته ضرورت پژوهش در این موضوع را بیشتر می‌کند.

یکی از مهم‌ترین اهداف انبیای الهی و ائمه اطهار (ع) نهادینه کردن فضایل اخلاقی در میان مردم بوده است. در برخی از آیات قرآن کریم به خوش رفتاری با بردگان و تلاش برای آزادساختن آنان به عنوان یک مسئله مهم اشاره شده است. همچنین روایت‌های متعددی از پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم (ع) درباره رفتار انسانی با بردگان وجود دارد. با توجه به پیشرفت‌های روزافزون ارتباطات و اطلاعات، علم و تکنولوژی، بینش و نگرش و طرز تلقی ما از افراد جامعه و چگونگی برخورد با آنها دستخوش دگرگونی شده و ضرورت پرداختن به ارزش‌ها و اصول و فضایل انسانی با تکیه بر مبانی اسلامی بیش از پیش احساس می‌شود. بر همین اساس، بررسی الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) با اقبال ضعیف و آسیب‌پذیر اجتماع می‌تواند بهترین راهبرد عملی و تأثیرگذار رفتاری در تعاملات افراد در جامعه امروزی نسبت به یکدیگر باشد. از این رو، نگاه عمیق به اندیشه‌ها و افکار و الگوی رفتاری بزرگان دین برای پیش‌گیری و درمان واپسگرایی اخلاقی جوامع امروزی ضروری است. هدف از انجام این تحقیق تبیین و شناساندن الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) بر اساس سیره عملی آنان نسبت به بردگان که از جایگاه و منزلت مناسبی برخوردار نبودند، است.

بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که شاخصه‌های اصلی الگوی رفتاری ائمه (ع) در برخورد با بردگان چه بود؟ و چگونه می‌توان این شاخصه‌ها را با توجه به سیره عملی ائمه (ع) تجزیه و تحلیل کرد؟

از این رو، پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد تا نگاهی دقیق‌تر به زندگی و الگوی رفتاری ائمه (ع) داشته و راهبرد رفتاری و عملی آنان را نسبت به بردگان اعم از غلامان و کنیزان مورد واکاوی قرار دهد. به نظر می‌رسد، امامان معصوم (ع)، با آزاد کردن و تکریم بردگان و آموزش و تعلیم و تربیت آنان بر اساس آموزه‌های اسلامی و با ارائه الگوی مناسب رفتاری،



سبک و راهبردی پر بار و غنی در اخلاق محوری و رعایت حقوق بردگان و بندگان خدا ایجاد کردند که سبب بهبود منزلت بردگان در جامعه شد. به همین خاطر می‌توان سیره و رفتار ایشان را به عنوان الگوی رفتاری مبتنی بر اخلاق الهی و اسلامی برای جامعه امروزی در جهت اعتلای ارزش‌های اخلاقی و انسانی معرفی کرد.

۲.۱. مفاهیم کلیدی

«برده» در زبان فارسی به معنای بنده زر خرید، غلام و کنیز است؛ دختران و پسرانی که خریداری می‌شدند؛ به بردگان پسر «غلام» و به بردگان دختر «کنیز» می‌گفتند (عمید، ۱۳۶۳، ص ۳۹۵؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۹۵۲؛ معین، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۳۷). واژه «برده» در زبان عربی، به معنای «عبد» است.^۱ البته، به تعبیر دقیق‌تر، «عبد» مصداقی برای «برده مذکر» بود و به «برده مؤنث»، «امّه» - (مفرد اماء) اطلاق می‌شد. این واژه در قرآن کریم نیامده، اما به جای آن لفظ «رَقَبَه» (به معنای گردن، قفا) به کار رفته است. در قرآن کریم، لفظ «رَقَبَه» (به معنای گردن، قفا) برای برده و عبارت کنایی «ما مَلَکَت اَیْمَانُکُمْ» (سوره نساء، آیه ۳۶) و واژه «جاریه» برای «برده مؤنث» به کار رفته است. «الگو» - در لغت - به معنای سرمشق، اسوه، مثال و نمونه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۷۷۹) و در اصطلاح، به فردی اطلاق می‌شود که به لحاظ ویژگی‌ها و خصوصیاتش، صلاحیت یافته تا دیگران از او تبعیت و پیروی کنند. با دیدن کارکرد و رفتار الگوها و دستاوردهای مثبت و عینی آن در زندگی فردی و اجتماعی الگو، انگیزه و تمایل برای پیروی از آنها در افراد برای بهره‌مندی از آن دستاوردهای مثبت، به وجود می‌آید. از این رو، گزینش فرستادگان خدا از میان انسان‌ها به دلیل سرمشق بودن آنها برای امت‌هاست؛ چرا که مهم‌ترین و مؤثرترین بخش تبلیغ و دعوت پیامبران و ائمه (ع) به ارزش‌های اخلاقی، عمل و رفتار آنهاست. آنها باید «اسوه ناس» و «قدوة خلق» باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۱۷، ص ۲۶۳).

۲. اسلام و برده‌داری

در تاریخ بشریت، برده‌داری به علل و انگیزه‌های گوناگونی مانند جنگ، قدرت، غارت و آدم‌ربایی،

۱. البته، شایع‌ترین صیغه جمع آن در این معنا «عَبید» است و در آیه ۳۲ سوره نور «عباد» ذکر شده است.

قرض، سرقت، فقر و قمار صورت می‌گرفت (میرشریفی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۰-۲۵۴). ولی اسلام تنها به بردگی گرفتن اسیران جنگی کافر را به عنوان راه قانونی و مشروع تأمین نیاز بردگان پذیرفته بود (سوره انفال، آیه ۶۷؛ علامه طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۹۷) و اقداماتی همچون یورش ناگهانی برای به اسارت درآوردن و برده‌گرفتن به جای دین و قرض و فروش افراد آزاد را ممنوع کرد و با عفو و گرفتن فدیة از اسرا، ورود افراد جدید به حوزه بردگی را تعدیل کرد (قربانی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۷-۲۰۹) همچنین با تحریم قمار و ربا (سوره بقره، آیه ۲۷۸-۲۷۹) و حرام نمودن خرید و فروش اموال دزدی و وضع قوانین خاص درباره رفتار با بدهکاران ورشکسته، برده‌گیری از این طرق را برانداخت (سوره بقره، آیه ۲۸۰).

با توجه به اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی عربستان، در آستانه ظهور اسلام، برای حکومت تازه تأسیس پیامبر (ص) حذف یکباره برده‌داری به دلیل پیامدهای زیانبار آن در جامعه آن زمان ممکن نبود؛ زیرا چنان که برخی از اندیشمندان - مانند موتسکیو و گوستاو لوبون - نیز تأکید و تصریح کرده‌اند، آزادی دفعی بردگان خطر آفرین و زیانبار بود. به اعتقاد موتسکیو، آزاد کردن عده بی شماری از غلامان با وضع یک قانون خاص، به صلاح نیست؛ زیرا موجب اختلال در نظم اقتصادی جامعه می‌گردد و حتی معایب اجتماعی و سیاسی دارد (موتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۴۲۸). از این رو، اسلام، بدون آن که نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه، از هم گسسته شود. ابتدا همگان را ترغیب به کار و کوشش کرد تا جامعه از وضعیتی که همه کارها بر دوش بردگان بود، فاصله گیرد. همچنین آزادی بردگان سبب می‌شد تا مالکان آنها نتوانند اقتصاد استثماری خود را توسعه دهند و شاید همین مسئله، موجب اعتراض و مخالفت آنان با این امر می‌شد (ایرجی، ۱۳۳۸، ص ۱۷۲).

در واقع، اگر بردگان به یکباره آزاد می‌شدند، قشر عظیمی که همواره تحت حمایت اربابان خود بودند، بیکار می‌شدند و آزادی آنان در جامعه قبیله‌ای عرب، موجب نابودی و فلاکت آنها می‌شد؛ چنان که کینه این گروه از صاحبان، به خاطر آزار و شکنجه، سبب می‌شد آنان پس از آزادی به فکر انتقام از اربابان خود بیفتند و طبیعتاً این امر سبب به خطر افتادن امنیت عمومی می‌شد (قربانی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۷-۲۰۹). به اعتقاد گوستاو لوبون (۱۸۴۱-۱۹۳۱) - فیلسوف، مورخ و جامعه‌شناس - «از آنجا که بردگان از دیر زمان، تحت رقبت زیست کرده و در اثر زندگی طفیلی خود، بی تجربه و بی استعداد بار آمده‌اند. از این جهت اگر اسلام، همه آنها را یکباره از قید بردگی آزاد می‌ساخت، ممکن بود در اثر نداشتن تجربه کافی و لیاقت، قادر به تشکیل زندگی مستقل و اداره آن نباشند و در نتیجه، از بین می‌رفتند» (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۴۸۲).



خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره نساء می‌فرماید: «خداوند را به یگانگی پرستید و شریکی برای او قرار ندهید به پدر و مادر و خویشاوندان خود و بندگان و کنیزانی که مملوک شما هستند، خوبی و احسان کنید.» بنا به محتوای این آیه شریفه، خداوند متعال خود از نیکی به مملوک سخن گفته و به نظر می‌رسد داشتن برده یک ثمر اجتماعی در جامعه عرب بوده و از ابتدا بنا بر حذف تدریجی برده‌داری بوده و این که برخی با بردگان به ملاحظت برخورد می‌کرده‌اند بیشتر به منش آنان مربوط بوده است. از همین رو، کسانی که درک عمیق‌تری از کلام الهی داشتند، به نگاهی ویژه به بندگان خداوند داشتند.

در مجموع، اسلام راهکاری سخت‌گیرانه در ممنوعیت و حذف برده‌داری ارائه نداده و طبق آنچه در لابلای کتب معاملات فقهی مانند کتاب البیع، الوصیه و النکاح به معنای عام، فروعاً مرتبط با اماء و عیید مطرح شده، اصلاح نظام برده‌داری به تدریج در جامعه اسلامی رخ داده است.

با گسترش فتوحات، جنگ یکی از راه‌های بدست آوردن بردگان شد. رویارویی نظامی حکومت اسلامی با امپراطوری روم شرقی و جنگ بین مرزداران شرقی و قبایل تُرک، سبب فراوانی بردگان رومی و تُرک شد. در این زمان، خراسان نیز یکی از مبادی مهم ورود غلامان و کنیزان به سرزمین‌های اسلامی بود؛ به گونه‌ای که حاکمان این منطقه همه‌ساله تعداد زیادی از کنیزان و غلامان تُرک و هندو را به عنوان هدیه به دربار خُلُفا پیشکش می‌کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۳۰). از طرفی، امکانات حکومت تازه تأسیس آن زمان، به گونه‌ای نبود که بتواند اسیران جنگی را در اماکن خاصی مثل زندان‌ها، نگهداری کند. بدین جهت، اسیران در میان جنگاوران تقسیم می‌شدند. آنان بردگان را به خانه‌های خود می‌بردند تا هم امنیت جانی‌شان تضمین شود و هم پراکنده شده و امکان اجتماع و شورش نداشته باشند. از طرف دیگر، ناچار به تغذیه آنان بودند و در مقابل، از کار آنها نیز استفاده می‌کردند. مارسل بوازار - استاد حقوق دانشگاه ژنو - در این باره می‌نویسد:

اسلام، به خاطر تأمین جانی و جلوگیری از تجاوز به اسیران جنگی، آنها را طبق ضوابطی در قبایل عرب، به عنوان برده یا کنیز تقسیم می‌کرد، ولی به تدریج آنان را از تمامی حقوق شهروندان مسلمان، بهره‌مند می‌ساخت (بوازار، ۱۳۵۸، ص ۴۹).

افزون بر این، در جنگ‌هایی که بین مسلمانان و غیر مسلمین رخ می‌داد، کافران، اسیران مسلمان را به بردگی می‌گرفتند و از همین رو، اسلام ناچار به مقابله به مثل بود و اگر می‌خواست غیر از این عمل کند، نیرو و هزینه لازم برای نگهداری اسیران و جلوگیری از قیام و شورش آنان نداشت.

متفکران مسلمان هر یک از منظری خاص به چاره‌جویی درباره برده‌داری رایج و نهادینه شده

در جامعه عرب پرداخته‌اند. علامه جعفری، با توجه به پیشینه برده‌داری در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو و نیز تاریخ جوامع غربی که پدیده برده‌داری را لازمه جامعه بشری از نظر اقتصادی و اجتماعی می‌دانستند، ضمن اشاره به مبارزه پیامبر اکرم (ص) با این پدیده، برده‌داری را وضعیتی عارضی و غیر طبیعی در زندگی اجتماعی تلقی کرده و به این مطلب اشاره می‌کند که اصل در اسلام، آزادی انسان‌هاست، همه انسان‌ها آزاد به دنیا آمده‌اند و برده‌داری و برده‌گیری باید از میان برود. ایشان به مساوات‌طلبی پیامبر میان انسان آزاد و برده در فضایل و رذایل اخلاقی و ارزش‌های والای بشری و دست یافتن بردگان در جوامع اسلامی به مناصب مهم با احراز لیاقت و دستور آزادی اسیرانی که مسلمانان را با حرفه و دانش خود آشنا می‌ساختند، توسط پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند (جعفری، ۱۳۹۰، ص ۴۰۷ - ۴۴۷).

شهید مطهری با تأکید بر انحصار برده‌داری تنها در مورد اسیران جنگی کافر، بر این عقیده است که «هدف اسلام از دادن جواز برده‌داری و نگهداری بردگان، بهره‌کشی ظالمانه از آنان نبود، بلکه اسلام به دنبال پرورش روحی و اخلاقی و رشد گروه مذکور در محیط خانواده‌های مسلمان بود و در حقیقت، دوران بندگی دالانی بود که بردگان از آزادی دوره کفر تا آزادی دوره اسلام طی می‌کردند» (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۰). از این رو، هدف اسلام، آزادی بعد از برده‌داری است.

در دین اسلام هیچ گونه پیش فرضی مبنی بر تمایز میان انسان آزاد و برده وجود ندارد. در آیات قرآن کریم، در ارتباط با نکوهش برده‌داری به روشنی از تساوی برده و فرد آزاد پس از تشریف به اسلام سخن گفته شده و نه تنها برده حبشی را با سید قرشی یکی می‌داند، بلکه گاه کنیز مؤمن را برتر از حرة مشرک می‌داند (سوره بقره، آیه ۲۲۱) و نزدیکی به خداوند را تنها در سایه تقوا و عمل صالح بیان می‌کند (سوره حجرات، آیه ۱۳).

پیامبر اکرم (ص) در نخستین روزهای ظهور اسلام، بر آن بود این سنت مقبول آن عصر را به سنتی معقول و انسانی تبدیل کند تا برده‌داری به تدریج از جامعه اسلامی رخت بریندند. ایشان برای تکریم و حفظ جایگاه انسانی بردگان میان تعدادی از بردگان و برخی از بزرگان اصحاب که از سران عرب بودند پیمان اخوت بست، از جمله میان بلال بن رباح و ابو رویحه خثعمی، بین خارجه بن زهیر (برده) و ابوبکر بن ابی قحافه و نیز میان غلام خود زید و عموی خود حمزه (ابن هشام، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۳).

همچنین مسلمانان را به آزاد کردن بردگان و خوش رفتاری با آنها و زن یا شوهر دادن آنان و آموختن سواد و به همسری گرفتن کنیزان توصیه کرده است (شیخ انصاری، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۷۵).



رسول اکرم (ص) پیروان خود را به داشتن رفتاری انسانی، همراه با مهربانی و رعایت حقوق بردگان دعوت می‌کردند. برخی از توصیه‌های ایشان درباره حقوق بردگان عبارت‌اند از:

از غذای خود به او بدهد. از جامه‌ای که خود می‌پوشد، به او بپوشاند. به کارهای سخت وادارش نسازد. به کاری که بیش از توان اوست مأمورش نکند. برده ناپسند را آزار ندهد و زود بفروشد، او را تحقیر و کوچک نکند و اشتباهات او را ببخشد در رفتار با او منصف باشد و در حقش ظلم نکند (غزالی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۲).

بزرگان دین با تأکید بر آیات قرآن کریم برای آزادسازی بردگان، قوانین متعددی مانند مصرف زکات، کفاره روزه، کفاره نذر، قسم، قتل خطایی وظهار را وضع کردند (نک: سوره بقره، آیه ۱۷۷، سوره نساء، آیه ۹۲، سوره مجادله، آیه ۳، سوره مانده، آیه ۸۹) و با تکیه بر آیاتی مانند «وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقْبَةُ * فَكُتِّ رَقَبَةً؛ و توجه می‌دانی آن گردنه سخت چیست؟» «آزاد کردن برده» (سوره بلد، آیه ۱۲-۱۳) و احسان با برده‌ای که آزاد نشده باشد (سوره نساء، آیه ۳۶)، در راستای گسترش فرهنگ آزادسازی و تکریم بردگان کوشیدند. همچنین با یادآوری آیه «وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا؛ و کنیزان خود را برای دست‌یابی به متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خودفروشی نکنید، اگر خودشان می‌خواهند پاک بمانند» (سوره نور، آیه ۳۳)، ممنوعیت سوء استفاده از بردگان مانند وادار نکردن کنیزان به فحشا و درآمدزایی از آنان را یادآور می‌شدند.

آنها نظام برده‌داری را با سخن پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «بدترین مردم کسانی هستند که مردمان را می‌فروشند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۱۴) نکوهش کرده و شکنجه بردگان و مثله کردن آنان را حرام می‌دانستند (حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۶). همچنین روایات فراوانی از تکریم و آزادسازی بردگان در قبایل کفاره گناهان یا ترک عمدی و سهوی واجبات وجود دارد و در فقه نیز بابتی با عنوان «کتاب العتق» به مسائل بردگان می‌پردازد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۷۷؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۳۲۰)؛ هرچند این روایات و توصیه‌ها از سوی حاکمان جامعه جدی گرفته نمی‌شد.

۳. دیدگاه جامعه اموی نسبت به بردگان

جامعه اموی نسبت به بردگان رفتار مناسبی نداشته و آنها را تحقیر می‌کردند با افزایش تعداد موالی در جامعه، باورهای برتری نژادی اعراب نمایان‌تر شده بود. حتی اگر کنیززاده‌ای مورد پذیرش افراد جامعه قرار می‌گرفت، باز هم اعراب از تحقیر او دست برنمی‌داشتند.

رفتارهایی از این دست در کل جامعه مشاهده می‌شد. نمونه‌ای از این تحقیر را می‌توان در مسابقه اسب‌دوانی که عبدالملک بن مروان بین دو پسر خود سلیمان و مسلمه برگزار کرد، مشاهده کرد. در این مسابقه، سلیمان پیروز شد و عبدالملک در این زمان این اشعار را بیان کرد: «به شما گفتم که کنیززادگان را در مسابقه شرکت ندهید. این دو هرگز برابر نمی‌شوند، آن مادرش بانو و این مادرش کنیز است» (ابن عبدربه، ۱۳۷۲ ق، ج ۴، ص ۱۱).

نمونه دیگری از رفتار با بردگان را می‌توان در نامهٔ اعتراض آمیز عبدالملک بن مروان به امام سجاد (ع) بابت ازدواج ایشان با کنیزشان مشاهده کرد که امام سجاد (ع) در پاسخ عبدالملک مروان با اشاره به آیات قرآن کریم و روش پیامبر (ص) هشدار دادند که بنی امیه به جاهلیت نوینی گرفتار شده و لازم است ارزش‌های اسلامی دوباره احیا شود و فرمودند:

نامهٔ تو که در آن مرا به خاطر ازدواج با کنیز آزاد شده‌ام، سرزنش کردی به دستم رسید. گفتمی که در میان عرب زنانی هستند که با ازدواج و صاحب فرزند شدن از آنها به عظمت و بزرگواری می‌رسد و حال آن‌که فراموش کرده‌ای بزرگواری و با عظمت‌تر از رسول خدا (ص) کسی نیست؛ در حالی که رسول خدا (ص) بانی ازدواج برده اش (زید بن حارثه با زنی آزاد به نام زینب) شد و خود نیز با کنیزش ازدواج کرد. خداوند به وسیله اسلام امور بی‌ارزش را با ارزش و نقایص را با اسلام کامل کرد و سرزنش‌ها را از بین برد. انسان مسلمان، شایسته نکوهش و سرزنش نیست تنها جاهلیت و افکار جاهلی باید سرزنش و نکوهش شوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶۴).

در موردی دیگر، هشام بن عبدالملک نیز با کنیززاده خواندن زید (پسر امام سجاد (ع)) تفکرات جاهلی خود را آشکار ساخت. زید - در پاسخ هشام - کنیززاده بودن اسماعیل (پسر حضرت ابراهیم (ع)) و مقام او را یادآوری کرد و درک وسیع و بینش والای خود را به زُخ هشام کشید (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۱۲؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۶۱).

۴. الگوی رفتاری ائمه اطهار (ع) نسبت به بردگان

ائمه اطهار (ع) با رفتار و گفتار خود برای بهبود وضعیت بردگان و احیای شخصیت آنان به عنوان گروهی که در جامعه از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند، تلاش می‌کردند ایشان به برابری انسان‌ها در نزد خداوند اعم از این که برده باشند یا آزاد، اشاره کرده و بردگی را به عنوان یک پدیدهٔ منفی اجتماعی معرفی کردند. رفتار ائمه (ع) نسبت به همهٔ افراد جامعه آگاهانه، معنادار و با انگیزه بوده



است که در ادامه، به نمونه‌هایی از تلاش ائمه (ع) برای تربیت و تعالی بردگان، رفع ظلم و برقراری عدالت و رفع نیازمندی‌ها و حفظ کرامت انسانی بردگان اشاره می‌شود.

۱.۴. حفظ کرامت انسانی بردگان

دین مبین اسلام بر مبنای اصل کرامت ذاتی، انسان‌ها را برابر و یکسان شمرده و ملاک و معیار برتری را تنها در کرامت اکتسابی انسان می‌داند که آن هم بر اساس رشد و ارتقای ایمان و تقوای هر فرد تعیین می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یک‌دیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است.

حفظ کرامت انسانی و مهربانی با تمام مردم به‌ویژه زبردستان از محورهای سیره اخلاقی ائمه اطهار (ع) است. امام علی (ع) می‌فرماید: «من شرم دارم از این که خداپرستی را برده‌خویش بدانم». همچنین ایشان در رابطه با نحوه رفتار با دیگران، خطاب به مالک اشتر، می‌فرمایند:

قلب خود را از محبت به مردم و لطف و رحمت نسبت به آنان لبریز کن؛ زیرا آنان یا برادر دینی تواند یا در آفرینش همانند تو هستند (سیدرضی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۴).

در نوع نگرش ائمه اطهار (ع) به افراد جامعه به ویژه بردگان، جلوه‌های توجه به کرامت انسانی در رفتارها، رهنمودها و موضع‌گیری‌های ایشان در برابر وقایع، نمایان است؛ به گونه‌ای که امام صادق (ع) از بی‌احترامی و توهین دوستشان نسبت به غلامش که دیر کرده بود، ناراحت شد و او را از این کار منع کرد (کلبی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۲۴). همچنین طبق گفته قطب الدین راوندی، هنگامی که امام حسن عسکری (ع) با برادر خویش جعفر در زندان بودند، جعفر در حضور ایشان، کنیزش را با لفظ زشتی خواند و امام از این سخن ناپسند ناراحت شده و او را از توهین به زبردستان منع کردند (راوندی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۸۲).

راوندی، نقل کرده است که امام صادق (ع) به یکی از غلامان غیر عرب خود کاری محوّل کرد. هنگامی که امام نتیجه کار را از غلام پرسید، غلام در جواب ایشان نمی‌توانست به درستی صحبت کند و آن بزرگوار زمانی که متوجه شد سخن گفتن به زبان دیگر برای غلام مشکل است،



به او گفت به هر زبانی که می‌خواهی بگو من آن را می‌فهمم (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۸۹). ایشان با درک شرایط طرف مقابل و بی‌تفاوت نبودن نسبت به او، احساس آرامش و امنیت به او بخشیدند. در منابع برای الگوپذیری افراد از رفتار ائمه اطهار (ع) آمده است هنگامی که حمیده مصفاه - همسر امام صادق (ع) - کنیزش (تکتم) را به فرزندش امام کاظم (ع) بخشید به ایشان سفارش کرد که با کنیزش به نیکی رفتار کند (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ص ۱۴) که تأکیدی است بر این بینش که همه افراد انسانی شایسته‌اند که مورد مهر و نیکی قرار گیرند.

امام رضا (ع) نیز برای بهبود اوضاع و موقعیت اجتماعی بردگان و حفظ کرامت انسانی آنها همواره در گفتارشان به دیگران تأکید می‌فرمودند که «پدر و مادر همه انسان‌ها یکی است و تنها ملاک برتری افراد تقواست و پاداش افراد به اعمالی است که انجام می‌دهند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۲۳۰). ایشان همچنین در ارتباط با منع و تقبیح تبعیض نژادی که همواره یکی از آموزه‌های اصلی ائمه (ع) بوده است، فرمود:

اگر من گمان کنم که از این غلام سیاهی که در اینجاست به واسطه قرابت و خویشاوندی با پیامبر بهترم، اشتباه است مگر این که عمل صالحی داشته باشم که به واسطه آن بر او برتری بیاورد (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۷).

هنگامی که یکی از غلامان امام رضا (ع) فوت کرد، ایشان برای احترام به او برای خرید پارچه یمانی که برای کفن کردنش لازم بود چند بار شخصی را نزد کسی که آن پارچه را داشت فرستاد تا در نهایت، آن پارچه را برای کفن کردن غلامشان خریدند (مسعودی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۳).

یکی از جلوه‌های کرامت انسانی در دین اسلام، تأکید بر اصل حریت و آزادی انسان‌هاست و در این زمینه، تفاوتی میان انسان‌های مسلمان و کافر نیست. زکریا بن آدم می‌گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم مردی از اهل ذمه بر اثر قحطی و گرسنگی شدید، فرزندش را به مردی دیگر می‌دهد و می‌گوید این بچه برای تو باشد؛ به او غذا بدهید و بنده تو باشد، آیا این کار صحیح است؟ امام رضا (ع) فرمود: «لایبتاع حرّ فانه لا یصلح لک و لا من اهل ذمه؛ انسان آزاده قابل خرید و فروش نیست. ارتکاب چنین کاری از تو و اهل ذمه شایسته نیست» (طوسی، ج ۷، ص ۹۷۷).

بنیادی‌ترین آموزه اخلاقی در اسلام به هنگام اعمال قدرت، رعایت عدالت و نفی ظلم کردن به دیگران است؛ به گونه‌ای که امام هادی (ع) در سخنان خویش، خشم گرفتن بر برده و مملوکان را نکوهش کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۷۰).



۲.۴. همنشینی و مصاحبت ائمه اطهار (ع) با بردگان

در شرایطی که به دلیل رواج سیاست برتری طلبی قومی - قبیله‌ای، بردگان از نظر اجتماعی، در جایگاه فرودستی در جامعه قرار داشتند و کثرت جمعیت بردگان و به‌ویژه موالی نتوانسته بود وضعیت اجتماعی آنان را بهبود بخشد، برخورد پسندیده و همراه با لطف و مهربانی ائمه (ع) با بردگان، نقش به‌سزایی در ارتقای موقعیت اجتماعی بردگان در جامعه عرب داشت. امام سجاد (ع) با هم‌نشینی و مجالست با بردگان نقش مهمی در ارتقای موقعیت اجتماعی متزلزل آنان داشت و زمانی که از سوی نافع بن جبیر مورد اعتراض قرار گرفت، در جواب فرمود: جز این نیست که آدمی باید در جایی بنشیند که بهره‌ای ببرد (ابن سعد، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۳۲).

امام رضا (ع) با تأکید بر برابری همه انسان‌ها، در هنگام غذا خوردن همه غلامان خود را بر سر سفره حاضری کرد و هنگامی که دیگران در این زمینه اعتراض کردند، در جواب آنان فرمود: همه ما با یک‌دیگر برابر و فرزندان یک پدر و مادر هستیم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۰۱). آن حضرت تا هنگام شهادت نیز از توجه به این گروه غفلت نکرد؛ چنان که در آخرین ساعات زندگی خود متوجه شد که غلامان و کنیزانش به خاطر وضعیت ایشان از خوردن غذا امتناع کردند، با وجود شرایط نامناسب خود دستور دادند تا سفره بیندازند و با خدمتکاران مشغول خوردن غذا شدند (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۴۱). همچنین نقل شده فردی نزد امام جواد (ع) آمد آن حضرت از خدمتکاران خواست تا برای فرد مهمان غذا بیاورند، هنگامی که یکی از غلامان غذا را آورد، امام جواد (ع) از او خواست که در کنار مهمان نشسته و از غذایی که آورده بخورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۸۸؛ راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۸۹). این رفتار امام، تعجب مهمان را برانگیخت. امام حسن عسکری (ع) ساعات آخر زندگی شریفشان را در کنار غلامشان (عقید) و جاریه‌شان (صیقل) سپری کردند (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۷۴).

۳.۴. اعتماد به بردگان

یکی از سنجه‌ها و محک‌های شایان اعتماد و مردم‌داری، برقراری روابط مطلوب با دیگران است. اعتماد ائمه اطهار (ع) به بردگان عاملی مهم در شخصیت بخشیدن به این افراد بود و روایاتی که از ائمه (ع) در این زمینه به ما رسیده به‌خوبی گویای این مطلب‌اند. امام صادق (ع) برخی از مسائل مهم و ضروری را که تنها دوستان خاصشان در جریان بودند با بردگان خود در میان



می گذاشت که این نشان از اعتماد به این گروه بود. گروهی خواستار دیدن مکتوبات امام علی (ع) شدند. امام صادق (ع) در پاسخ به آنان فرمود: «مکتوبات ایشان نزد من است که آنان را برای نگهداری به این غلام سپرده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۷۴). به نظر می‌رسد، اعتماد امام در دادن امانت‌هایی چنین ارزشمند به غلام خود و بیان این موضوع در حضور دیگران، جهت ارتقای موقعیت بردگان در جامعه بوده است. در منابع روایی آمده است که سالمه - کنیز امام صادق (ع) - در زمان شهادت ایشان، در کنار ایشان حضور داشت و امام وجوهی را با ذکر اسامی به او سپرد تا پس از شهادت، آنها را به صاحبانش برساند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷).

وقتی امام موسی کاظم (ع) مجبور به ترک مدینه شد، در رابطه با جانشینی خود و مدیریت ارتباط با پیروان و طرفداران، افزون بر امام رضا (ع) به اُمّ احمد - یکی از همسران اُمّ ولد خود - توصیه‌های لازم را کرد (مسعودی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۹؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۸۱). در حقیقت، اُمّ احمد حامل سخنان و نکته‌های ارزشمندی بود که امام بعدی بتواند با بهره‌گیری از آنها جامعه مسلمین را مدیریت کرده و شعله‌های مخالفت با حاکمیت را روشن نگه دارد. همچنین در منابع روایی آمده است که تعدادی از غلامان امام هادی (ع) از معتمدین خاص حضرت بودند و آنان را از مسائل مهمی که تنها خواص ایشان در جریان بودند باخبر می‌ساختند؛ به گونه‌ای که امام هادی (ع) مدتی پیش از شهادت، عده‌ای از خواص خویش را فراخواند تا وصیت نماید و جانشین خود را به آنان معرفی کند. در میان ایشان، تعدادی از غلامان خود را نیز به حضور فراخواند و آنها را شاهی بر وصیت و اعلام جانشینی خود گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۴۶).

امام حسن عسکری (ع) نیز با محرم اسرار قرار دادن و سپردن امانت‌های خویش به غلامان و کنیزان - به رغم حضور دیگر نزدیکان ایشان - گام مؤثری در ایجاد و تقویت حس خودباوری بردگان و تغییر نگرش مردم جامعه نسبت به این گروه در جامعه اسلامی برداشت. شیخ صدوق، نقل می‌کند که ابوالادیان - خدمتکار امام - پیش از شهادت به حضور امام رسید و ایشان نامه‌های خویش را برای رساندن به صاحبانشان در سرزمین‌های دیگر به او سپرد و در ادامه، با محرم دانستن او، او را از شهادت خویش آگاه ساخت و جانشین خود را به او معرفی کرد (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۴۶).

فردی از دوست‌داران امام عسکری (ع) خدمت ایشان رسید و از سوی دوستان خویش امانت‌هایی را تقدیم امام کرد، آن حضرت با اشاره به غلام خود، فرمودند: «امانت‌هایی را که آورده است به او تحویل دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۳۰). همچنین امام حسن عسکری (ع) فرزند



خود را با وجود آن که از بدو تولد از دید بسیاری از افراد مخفی بود، به غلام و کنیزشان نشان دادند (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۶).

۴.۴. دفاع از حقوق بردگان و پناه دادن به آنان

اسلام با تکیه بر اصول اخلاقی، روابط برده و برده‌دار را به گونه‌ای کاملاً انسانی و عادلانه درآورد و راه هر گونه ظلم و بیدادگری در این روابط را مسدود ساخت. پیامبر اکرم (ص)، مردی را سوار بر مرکبش دید که غلامش در قفای او پیاده روان بود. فرمود: «غلامت را هم سوار کن، او برادر تو است و روح او مثل روح تو» (ایرجی، ۱۳۳۸، ص ۷۴).

ائمه اطهار (ع) نیز همواره گروه بردگان را در جامعه مورد حمایت قرار می‌دادند و هنگامی که حقی از آنان ضایع می‌شد، در پی احقاق حقوق و دفاع از این گروه بر می‌آمدند هنگامی که امام علی (ع) به خلافت رسیدند، با اشراف به بی‌عدالتی‌هایی که در سال‌های پیشین در حق بردگان روا شده بود، سعی در احقاق حقوق آنان داشتند و در نخستین گام، به تقسیم بیت المال به صورت مساوی همت گماشتند و به کارگزاران خویش در سرزمین‌های اسلامی دستور دادند تا در تقسیم بیت المال بین عرب انصاری و موالی تفاوتی قائل نشوند و تنها اسلام را ملاک قرار دهند (شیخ مفید، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲). این اقدام امام مایه اعتراض گروهی از بزرگان صحابه شد و برای نمونه، سهل بن حنیف در نخستین تقسیم بیت المال به برابری حقوق خود با غلامش به شدت اعتراض کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۱).

همچنین خواهر امام علی (ع) به برابری سهم بیت المال خویش با کنیز عجمی‌اش اعتراض کرد که امام علی (ع) در پاسخ او فرمود «در کتاب الهی هیچ تفاوتی میان عرب و عجم وجود ندارد» (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۷۰). همچنین در منابع روایی آمده است که وقتی امام صادق (ع) از شهادت تعدادی از موالیان خود به دست حاکم مدینه - به جرم حمایت از آن حضرت - مطلع شدند به این عمل اعتراض کرده و خطاب به حاکم مدینه و در حمایت از غلامان خود، فرمودند: «تو را نفرین می‌کنم و از خداوند بر تو یاری می‌جویم که غلامان مرا کشتی» (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۲۴؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲، ص ۹۱۹-۹۲۰).

شیخ صدوق نیز نقل می‌کند که مامون کنیزی را نزد امام رضا (ع) فرستاد و مدتی در خانه آن حضرت اقامت داشت و امام پس از مدتی او را به شخص دیگری بخشید، ولی او را متعهد کرد که کنیز را پس از مرگش آزاد کند (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ۱۷۹/۲). نمونه دیگری از رعایت حقوق



۱۱۸

بردگان در رفتار امام رضا (ع) نمایان است که ایشان برای تعیین نشدن حقوق کارگری که برای کار به منزل ایشان رفته بود و مزدش مشخص نشده بود، بسیار ناراحت و پریشان شدند و فرمودند: پیش از شروع کار، حق او را مشخص نمایید تا در پایان کار از پول پرداختی شما ناراضی نباشد (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۰).

ابن شهر آشوب، نقل می‌کند که کسی از دست غلام خود که مرتکب خطایی شده بود عصبانی شد و قصد کشتن او را داشت، آن غلام به خانه امام صادق (ع) آمد و به ایشان پناه برد و آن حضرت واسطه شد تا صاحبش از خطای او بگذرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۳۵؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۷۳). در دوره‌ای که بردگان و موالی در جامعه تحقیر می‌شدند، ائمه معصومین (ع) با حمایت‌های مالی و عاطفی به آنها کمک می‌کردند و این گروه در سایه کمک‌های آن بزرگواران می‌توانستند زندگی راحتی داشته باشند. همچنین کلینی نمونه دیگری را می‌آورد که امام موسی کاظم (ع) خانه‌ای نو خریده بود و با اطلاع از نیاز غلامش به مسکن، آن را به او هدیه کرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۵۲۵). امام رضا (ع) در حمایت از بردگان، به اصحاب خود تأکید می‌کردند که اگر برده‌ای را آزاد کردید تا زمانی که به حد بی‌نیازی برسد، از او حمایت مالی کنید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۳۴).

۴.۵. تکریم و مهربانی با بردگان

دین اسلام، توجهی ویژه به مسئله مهربانی و مهرورزی دارد. قرآن، پیامبر اکرم (ص) را «رحمة للعالمین» معرفی کرده است و «مهربانی» نخستین خصلت نیکویی است که به شکلی غیر قابل وصف، در وجود معصومین (ع) متجلی شده است. ائمه اطهار (ع)، اسوه‌های مهرورزی نه تنها نسبت به دوستان و شیعیان، بلکه برای تمام افراد جامعه بوده‌اند. امام رضا (ع) در مورد مهربانی کردن با مردم می‌فرماید: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الْرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ مدارا کردن با مردم یک نیمه ایمان و مهربانی کردن با آنان نیمی از زندگانی است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲).

از نمونه‌های مهرورزی ائمه (ع) نسبت به افراد ضعیف جامعه می‌توان به رفتار و گفتار امام رضا (ع) در مهربانی و مدارا کردن با بردگان اشاره کرد. یکی از القاب امام مهربانی‌ها «الرفوف» است و ایشان برای برطرف کردن مشکلات و گرفتاری‌های بردگان از هیچ گونه کمکی فروگذار نمی‌کردند. امام رضا (ع) زمانی از گروهی از غلامان صقالبه و رومی خود شنید که در مورد رگ‌زنی هر ساله خود در کشورشان صحبت می‌کردند، به حضور یکی از پزشکان رفت و از





او درخواست کرد به نزد غلامانش بیاید و هر کاری که آنان نیاز دارند، انجام دهد (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۷). همچنین هر گاه غلامان غیر عرب در حضور آن حضرت در فهم مطلب مشکل پیدا می‌کردند، امام به زبان خودشان آن مسئله را برای آنها بیان می‌کرد (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۸) امام رضا (ع) زمانی که متوجه می‌شد غلامان و کنیزان از حضور در نزد ایشان احساس آرامش و راحتی ندارند آن اشخاص را به اجبار در نزد خود نگه نمی‌داشت و برای نظر آنها به عنوان یک انسان احترام قائل بود. طبرسی نقل می‌کند مأمون کنیزی را برای خدمت به حضور آن حضرت فرستاد؛ زمانی که کنیز امام را دید از پیری و موی سفید آن بزرگوار چهره‌اش گرفته و ناراحت شد، امام دریافت او از حضور در نزد ایشان خشنود نیست و دستور داد آن کنیز را نزد مأمون بازگرداند (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۷۹). راوندی نقل می‌کند امام جواد (ع) کنیزی را در حالی که به شدت از درد پا رنج می‌برد به حضور پذیرفت و با قرار دادن دست خویش بر محل درد، مریضی او را درمان کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۴۶، ۴۷).

غلامانی با ملیت‌های مختلف از ترک و روم و صقلایی در خدمت امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) مشغول بودند. ایشان برای راحتی و احساس آرامش بیشتر آنان به هنگام صحبت کردن با هر کدام از آنها به زبان مادریشان سخن می‌گفتند (اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۹۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۳۰). از نمونه‌های مهرورزی ائمه (ع) نسبت به افراد ضعیف جامعه این بود که با توجه به نیازهای گروه بردگان، تلاش می‌کردند تا حد امکان وسایل آرامش آنان را فراهم آورند.

۴.۶. تواضع و فروتنی در برابر بردگان

«تواضع» در لغت، به معنای تذلل و فروتنی است و در اصطلاح اخلاقی، یعنی انسان خود را برتر از دیگران نداند (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۳۷۲) خوش رفتاری با هموعان و خدمت به خلق از جمله دستورات مهم دین اسلام است پرهیز از کبر خودپسندی و داشتن تواضع و فروتنی در برابر خدا و مردم یکی از ویژگی‌های بارز ائمه اطهار (ع) بوده است. پیامبر اکرم (ص) در نکوهش خودپسندی می‌فرمایند: «امقت الناس المتکبر؛ منفورترین مردمان شخص متکبر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۱۴). بعضی غرور را لازمه ابهت حاکمان دانسته و آن را از ابزارهای زمینه‌ساز اطاعت و پیروی مردم و مخاطبان می‌دانند؛ در حالی که امام علی (ع) استفاده از این ابزار را کاری پست شمرده و پرهیز از آن را به همه والیان توصیه کرده است و به مالک اشتر فرمودند: «ای مالک! از خودپسندی و اعتماد به آنچه موجب عجب و خودپسندی شده و نیز از

دلبستگی به ستایش و چرب‌زبانی‌های دیگران پرهیز کن» (سید رضی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۰).

در ارتباط با تواضع و فروتنی امام صادق (ع) آمده است که ایشان پس از فرستادن غلامش برای انجام کاری و دیر کردن او متوجه شد که غلام در گوشه‌ای خوابیده است؛ آن حضرت خیلی آرام بالای سر غلام نشستند و تا بیدار شدن او مشغول کار شدند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۴؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۵). توجه امام کاظم (ع) به غلامان و نشست و برخاست با این گروه زمینه دیده شدن آنان را در جامعه اسلامی فراهم می‌کرد؛ به گونه‌ای که بغدادی در این زمینه نقل می‌کند امام کاظم (ع) با گروهی از اطرافیان به سمت زمین زراعی خود در حرکت بود که در مسیر، غلامی زنگی به خدمت آن بزرگوار رسید و برای امام نان هدیه آورد؛ ایشان با رغبت هدیه او را پذیرفت و شب هنگام با آن نان‌ها از غلامان پذیرایی کردند (بغدادی، ج ۱۳، ص ۲۹-۳۰).

امام رضا (ع) به عنوان اسوه و الگوی جامعه اسلامی با تواضع نسبت به بردگان، حتی در سخت‌ترین شرایط، در صدد تغییر دید و رفتار جامعه اسلامی نسبت به آنان بودند. مجلسی نمونه‌ای را ذکر می‌کند که امام رضا (ع) هر گاه مطلع می‌شد غلامان او در حال خوردن غذا هستند، با وجود آن که به آنها برای انجام کاری احتیاج داشت از انجام عمل خویش صرف نظر می‌کرد و آن کار را به بعد از غذا خوردن آنان موکول می‌ساخت (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۹، ص ۱۰۲). امام حسن عسکری (ع) عنایت ویژه‌ای به غلامان و برطرف کردن نیازهای آنان داشت. علامه مجلسی از غلام امام نقل می‌کند که هر زمان برای آن حضرت غذا می‌بردم، ایشان بزرگوارانه تنها مقدار کمی از آن را میل می‌کرد و مابقی را به من می‌داد تا برای فرزندانم ببرم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۵۲).

۷.۴. مشورت با بردگان

با توجه به آیات «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) و «وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (سوره شوری، آیه ۲۸) مشورت به معنی نظرخواهی از دیگران، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را با دقت و اهمیت خاصی مطرح کرده و در منابع اسلامی و تاریخ پیشوایان بزرگ اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد. از طرفی مشاور باید دارای صفات ویژه‌ای باشد؛ امام علی (ع) در این باره می‌فرماید «شاور ذَوِي الْعُقُولِ تَأْمِنُ مِنَ الزَّلَلِ وَالنَّدَمِ؛ با خردمندان مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی» (تمیمی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۴۰۴) و «خَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ ذُووُ النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَزْمِ»؛ بهترین کسی که با او مشورت می‌کنی صاحبان عقل و علم و کسانی هستند که دارای تجربه و



دوران‌دیشی است)) (محقق، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷).

ائمہ (ع) برای ارتقای جایگاه و منزلت اجتماعی بردگان با آنان مشورت می‌کردند. امام کاظم (ع) با وجود آنکه به تنهایی می‌توانست به حل مسائل و مشکلات بپردازد، ولی سعی می‌کرد برخی اوقات با مشورت، از بندگان کمک بگیرد. امام رضا (ع) در مورد پدرشان نقل می‌کنند: پدرم با غلامان خود مشورت می‌کرد و زمانی که این عمل ایشان مورد اعتراض قرار می‌گرفت، می‌فرمود: چه بسا خداوند مصلحت من را در زبان او قرار داده باشد. ایشان اغلب در کشت و زرع از غلامان خود مشورت می‌گرفت و سخنان آنان را به کار می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۸، ص ۲۵۲).

۴.۸. آزاد کردن بندگان

آزادی، عبارت است از حقی که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار بیندازند، مشروط بر اینکه آسیب و ضرری به دیگران وارد نسازند. خداوند، از دیدگاه اسلام، انسان را موجودی شریف و آزاد توأم با مسئولیت آفریده است که به موجب آن می‌تواند با رقم زدن سرنوشت خود و مشاهده نتیجه کار خوب و بد خویش در مراتب انسانی ارتقا یابد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز نخستین ماده راجع به آزادی است که بشر آزاد آفریده شده است؛ آزاد باید زندگی کند و آزاد باید بمیرد و هیچ قدرتی حتی خودش نمی‌تواند این حق را از او سلب کند. واژه «آزادی» بر رهایی از اسارت، رفع گرفتاری، گسستن بند، دفع قهر و غلبه دیگران و فرو افکندن بار سنگین تکالیف تحمیلی اطلاق می‌شود. یکی از ویژگی‌های حقوق بشر اسلامی آن است که فرا ایمانی و مبتنی بر فطرت بشر است؛ فطرتی که میان همه انسان‌ها مشترک است حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات مربوط به تمامی انسان‌ها است و از همین رو، قابل تعمیم به همه اقوام و ملل است (حسینی، ۱۳۸۹، ج ۸۲، ص ۷) در آموزه‌های ائمه اطهار (ع) ارزش و کرامت انسانی پایه و اساس واقع شده و به تبع آن تمامی قواعد و مقررات حقوق بشری با توجه به اصل مساوات و آزادی تدوین و روابط موجود در جامعه در چارچوب اصول اخلاقی شکل گرفته است.

۴.۸.۱. راه‌های آزادی بندگان

اسلام راه‌های ابتکاری متعددی برای آزادی تدریجی بندگان ارائه کرد، از جمله:



۱۲۲

- اسلام، آزادسازی بردگان را از عبادات بزرگ قرار داد. ائمه اطهار (ع) نیز در عمل به این عبادت، اهتمام والایی داشتند. به عنوان نمونه، امام سجاد (ع) در طول حیات شریف خود، تعداد بی‌شماری برده خریدند و آزاد ساختند (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۲۸۰). امام به رغم بی‌نیازی به بردگان سیاه، آنها را خریداری و در روز عرفه آزاد می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۱۰۳). از این رو، بردگان با آگاهی از نیت امام سعی می‌کردند خود را بر سر راه امام قرار دهند تا آنها را خریداری کنند؛ چون می‌دانستند خلاصی آنها حتمی است (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۲۸۱). همچنین امام صادق (ع) آزاد نمودن برده را از اعمال استحبایی روز عرفه بر شمرده‌اند: *يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ بِالْعِتْقِ وَ الصَّدَقَةِ*؛ مستحب است شب عرفه با آزاد کردن بردگان و صدقه به پروردگار خود تقرب جویند» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۱۳).

- آزادسازی از طریق مالکیت، سرایت، استیلا، تدبیر و مکاتبه.^۱ از امام صادق (ع) در مورد سخن خداوند در آیه ۳۳ سوره نور پرسیده شد و امام در پاسخ فرمود: اگر برده‌ای توان مالی و دین و ایمان داشت با او سند آزادی امضا کنید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۲۴).

- اسلام با تشویق مسلمانان به آزاد ساختن بردگان و گماشتن آنها به کارهای متناسب با استعداد و مهارتشان و اختصاص کمک‌هزینه‌ای از بیت المال به آنها (سوره بقره، آیه ۱۷۷) نه تنها آزادی ظاهری بردگان، بلکه آزادی اقتصادی آنها را نیز تضمین می‌کرد (بولازار، ۱۳۵۸، ص ۴۸-۴۹). امام سجاد (ع) هیچ برده‌ای را بیش از یک سال نگه نمی‌داشت و حتی پس از آزادی، اموالی هم در اختیار آنها می‌گذاشت (حیدری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۷). ایشان در شب آخر ماه رمضان با یادآوری خطای غلام یا کنیز به وی، از حق خود می‌گذشت و آنها را در راه خدا آزاد می‌کرد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۷۵). در این مدت آنها از نزدیک با شخصیت عظیم علمی و اخلاقی و تقوایی

۱. مالکیت: خویشاوندان رضاعی، حکم خویشاوندان نسبی را دارند. بنابراین، اگر به هر صورتی چنین مالکیتی رخ داد، بلافاصله این خویشاوندان خود به خود آزاد می‌شوند (موسوی خویی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶۷، ۳۱۳). سرایت: اگر مولا جزئی از برده خود را آزاد کند، آزادی با شرایطی به تمام برده سرایت کرده و کلاً آزاد می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۴، ص ۱۵۲). استیلا: کنیزی که از مولای خود صاحب فرزند شده است «ام ولد» نامیده شده و پس از مرگ مالک آزاد می‌شود (موسوی خویی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۷۶). تدبیر: اگر مولا آزادی برده را بعد از وفات خود معلق کند، با مرگ مولا برده آزاد می‌شود (جبعی عاملی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۸۸). مکاتبه: مکاتبه، عقدی است که بین مولا و برده منعقد می‌شود مبنی بر این که برده با اذن مولا کار کند و در سررسیدهای معین، اقسام قیمت خود را به مولاپردازد و در نهایت، آزاد شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳)





امام سجّاد (ع) آشنا می‌شدند و طبیعی بود که منش و رفتار امام را الگویی خود قرار می‌دادند.

- آزادی از طریق صدقه مانند آزادسازی برده به هنگام وقوع خسوف و کسوف به عنوان صدقه سفارش شده است.

- برخی موارد خاص مانند ابتلا به کوری، ابتلا به جذام، زمین‌گیر شدن نیز به صورت الزامی و قهری موجب آزادی بردگان می‌شد.

پیامبر اکرم (ص) در سخنان گهربار خویش به مؤمنان و مسلمانان برای آزادسازی بردگان سفارش فراوان می‌کردند. چنان که در این باره فرمود: «من اعتق رقبة مؤمنة كانت فداءه من النار»؛ هر کس برده مؤمنی را آزاد کند این عملش سبب آزادی او از آتش جهنم خواهد شد». حضرت علی (ع) نیز به رغم این که تعصبات نژادی و بی‌عدالتی‌ها در جامعه اسلامی آن دوره رواج بسیار یافته بود، با اصلاحات اجتماعی و فرهنگی خویش سعی در مقابله با این افکار نژادپرستانه در دوره خویش داشتند؛ ایشان در طول حیات شریفشان، به دست خود و در راه خدا هزار بنده آزاد کردند (شیخ مفید، ۱۳۱۴، ج ۲، ص ۱۴۱). امام حسن (ع) نیز با روحیه سخاوتمندانه خویش از هر زمانی برای آزادی بردگان استفاده می‌نمود؛ در روایت چنین آمده است که امام غلام سیاهی را در حال غذا خوردن دید که یک لقمه خودش می‌خورد و یک لقمه به سگی که در آن حوالی بود می‌داد، آن حضرت، دلیل کار غلام را جویاشد و غلام گفت من شرم دارم که خود بخورم و به سگ ندهم. امام هنگامی که سرشت پاک غلام را مشاهده کردند نه تنها او را خریده و آزاد کردند، بلکه باغی هم که غلام در آن کار می‌کرد را خریدند و به غلام بخشیدند (ابن کثیر، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۲). امام حسین (ع) کنیزی را به خاطر تقدیم یک گل و دیگری را به خاطر خواندن یک آیه از قرآن کریم آزاد کرد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۷۴).

امام کاظم (ع) در جواب هدیه و محبت بردگان خویش نهایت بزرگواری را در حق آنها ابراز می‌داشت و این موضوع را بهانه‌ای برای آزادساختن آنان قرار می‌داد. بغدادی در این زمینه می‌گوید: آن حضرت در مسیر باغ خویش در حرکت بود که غلامی به سمت ایشان آمد، هدیه‌ای تقدیم امام کرد و آن بزرگوار به دنبال قبول آن، نام غلام و اربابش را جویا شد و به سراغ اربابش رفت و او را خرید و سپس آزاد کرد (بغدادی، بی‌تاج ۳، ص ۲۹، ۳۰).

امام کاظم (ع) به واسطه برخورداری از فضایل اخلاقی و روح بلند و نگاه انسانی‌اش به بردگان تعداد زیادی غلام و کنیز را خریدند و آزاد نمودند و به همین خاطر لقب «محرّر العبيد» آزادکننده بردگان» گرفت (مسعودی، ۱۴۱۷، ص ۱۹۹). احمد بن عبد خلف، از غلامان امام کاظم (ع)

بود که آن حضرت اقدام به خرید او و پدر و مادرش کرد و همه آنان را آزاد کرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۵۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۱۱۱، ۱۱۲). امام رضا (ع) نیز در راستای ترغیب امت اسلامی به آزادی بردگان، به کمترین مناسبتی اقدام به آزادی غلامان و کنیزان می نمود تا آنجا که خطای این گروه را دستاویزی برای آزادی آنان قرار می داد (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۳۷). طبرسی نیز در این زمینه نقل کرده است که یکی از غلامان آن حضرت فرار کرد، شخصی او را پیدا کرد و در حالی که به دست و پایش غل و زنجیر زده بود، نزد امام آورد آن بزرگوار او را در این شرایط دید از خطایش چشم پوشید و او را آزاد کرد (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۴).

۹.۴. بخشیدن خطاهای بردگان

از زیباترین رفتارها و منش ائمه اطهار (ع) می توان به عفو و گذشت آنها در مواجهه با بردگان خطاکار اشاره کرد. رفتار بزرگوارانه و توأم با رأفت ائمه اطهار (ع) در مواجهه با بردگان به گونه ای بود که بردگان از حضور در کنار ایشان احساس آرامش و راحتی می نمودند؛ چنان که غلامی از غلامان امام حسن (ع) مرتکب خطایی شد که مستحق مجازات بود، غلام عبارت «والعافین عن الناس» از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران را خواند و امام او را بخشید و آزاد کرد (ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۲۴۴).

کلینی نقل می کند که غلامان امام کاظم (ع) در باغی مشغول بریدن خوشه های خرما بودند و یکی از غلامان در حین چیدن خرماها تعدادی از خوشه ها را به بیرون از باغ می انداخت و با این کار خوشه های خرما را برای خودش بر می داشت، امام کاظم (ع) از او علت رفتارش را جویا شد و او در پاسخ آن بزرگوار گستاخانه گفت: خواستم که چنین کنم. آن حضرت به رغم این رفتار نامناسب، خرماهایی را که برداشته بود به او بخشید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۱۱۵).

امام حسن عسکری (ع) در برابر خطای غلامان با مدارا و نرم خویی با آنان برخورد می کرد و تا آنجا که ممکن بود از مجازاتشان صرف نظر می کرد. هنگامی که امام حسن عسکری (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارشان مشغول غسل آن حضرت بودند، مقداری از لباس ها و پول های امام به وسیله غلامانشان به غارت رفت. ایشان پس از فارغ شدن از این امر و آگاهی از دزدی، آنان را فراخواند و از آنها خواست که وسایلی را که برداشته اند باز گردانند، امام به رغم آگاهی از اشتباه غلامانش، بزرگوارانه از خطای آنها درگذشت (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۵۹، ۲۶۰).



۱۰.۴. تعلیم و تربیت بردگان

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار در دوران حیات شریفشان سعی در آگاه نمودن و تربیت غلامان و کنیزان خویش داشتند که برخی از آنان از پیروان مکتب تشیع و از مدافعان سرسخت آنان شدند. یکی از شیوه‌های ائمه (ع) خرید بسیار زیاد غلامان و آوردن آنها در خانه و قرار دادن آنان تحت تعلیم و تربیت اصیل اسلامی و پرورش فکری و معنوی و سپس آزادسازی آنان بوده است. تعلیم و تربیت بردگان و آموزش مبانی اسلام به این گروه سبب شد تا افرادی مانند نصر بن ابی نضر و سعد از تربیت‌یافتگان امام علی (ع) (شیخ عباس قمی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۶). منهج غلام امام حسن (ع) (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۹۳) و اسلم وقارب از غلامان امام حسین (ع) (قرشی، بی تا ج ۳، ص ۱۸۰) چون غلام ابوذر که در محضر این بزرگان معرفت آموخته بودند. در واقعه کربلا از سربازان وفادار امام حسین (ع) باشند. امام سجاد (ع) پس از واقعه کربلا در فضای سیاسی خفقان‌آور امویان برای گسترش اسلام حقیقی به نگهداری و تربیت بردگان و کنیزان می‌پرداختند. حضرت در راستای این امر مهم پس از خریداری بردگان و کنیزان به آموزش و تعلیم بردگان می‌پرداختند. برخی از این بردگان مانند اسحاق بن یسار، عبدالله بن عطا، سالم بن ابی حفصه و سدیر با تعلیمات حضرت توانستند افرادی برجسته و صاحب‌نام شوند.

از راهکارهای مؤثر امام باقر (ع) که زمینه‌ساز رشد بردگان و موالی در جامعه شد، تلاش بی وقفه ایشان در راستای جذب تعلیم و تربیت این گروه بود؛ به نحوی که تعداد قابل توجهی از افراد و دانش‌آموختگان مکتب امام باقر (ع) را بردگان و موالی تشکیل می‌دادند که اسامی تعدادی از آنها مانند اسحاق بن یسار، حبیب بن حسان، حمران بن اعین شیبانی، در کتب رجالی ذکر شده است (طوسی، ۱۳۷۳، ج ۱۰۵، ۱۱۶).

در دوران امام کاظم (ع) تعلیم و تربیت این قشر از جامعه به سختی صورت می‌گرفت و امام کاظم (ع) در اوضاع خاص سیاسی آن زمان که فعالیت علمی را محدود می‌نمود، سعی در آموزش کسانی مانند احمد بن محمد بن ابی نصر و حسن بن محبوب سراد (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶) و یونس بن عبدالرحمان (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۶) که دارای تألیفات هستند، را داشت.

ائمه اطهار (ع) از هر لحظه برای آموزش مبانی اسلامی به غلامان و کنیزان خود بهره می‌جستند و سعی در اصلاح رفتارهای ایشان داشتند و با سخنان وزین و رفتار و منش خویش به آنان درس چگونگی زیستن و زندگی شرافتمندانه می‌دادند؛ چنان که زمانی که هارون الرشید کنیزی نزد امام کاظم (ع) فرستاد تا در امام لغزش ایجاد کند، آن حضرت با عبادت و رفتار خویش او



را به فردی که لحظه‌ای از یاد خدا غافل نمی‌شد، تبدیل کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۲۳۸). همچنین هنگامی که امام رضا (ع) مشاهده کردند غلامان میوه‌ها را به صورت نیم‌خورده بر روی زمین می‌اندازند، به آنان فرمودند: اگر به همه میوه‌ای که می‌خورید نیاز ندارید آن را به کسانی بدهید که احتیاج دارند بدهید (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۹، ص ۱۰۲) از دیگر نمونه‌های آموزش امام رضا (ع) می‌توان به تعلیم ذکری به غلامش که خواندن آن موجب مقبولیت توبه می‌شد، اشاره کرد (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۳). امام هادی (ع) نیز همانند دیگر ائمه (ع) به تربیت و ارتقای سطح علمی بردگان و کنیزان در جامعه اسلامی توجه فراوانی داشت و به تعلیم آنان می‌پرداخت که از آن جمله می‌توان به «خیران خادم» از غلامان و شاگردان حضرت اشاره کرد (برقی، ۱۳۴۲، ص ۳۸۶).

۱۱.۴. پیوند ائمه (ع) با کنیزان

پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگو و اسوه در جامعه اسلامی با ازدواج با کنیزان، موقعیت و جایگاه آنان در جامعه اسلامی را دگرگون ساخت به گونه‌ای که حضور کنیزانی مانند ماریه، ریحانه (طبری، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۹۶) جویره در کنار همسران آزاد ایشان، موجب ارتقای جایگاه کنیزان در جامعه اسلامی شد. ازدواج ائمه (ع) با کنیزان، برای حفظ شخصیت و احترام به کرامت انسانی بردگان بود و اندیشه مساوات گرایانه اسلام درباره بردگان و آزادگان را ترویج می‌کرد، زمینه‌ای مناسب برای آزادی ایشان فراهم می‌آورد؛ زیرا طبق قوانین اسلامی، هر کنیزی که از صاحب خود دارای فرزند می‌شد (ام ولد) آزاد بود. ائمه (ع) در انتخاب همسر، که پایه اصلی برای زمینه‌سازی تربیت صحیح فرزندان است، دقت بسیار داشتند. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «نگاه کن و توجه نما که خود را در چه موقعیتی قرار می‌دهی و چه کسی را شریک زندگی و اموات می‌کنی و چه کسی را از دین و رمز و راز زندگی آگاه می‌سازی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲). در منابع تاریخی، موارد مختلفی از ازدواج ائمه (ع) با کنیزان گزارش شده است؛ مانند ازدواج امام علی (ع) با خوله (مادر محمد حنفیه)، کنیزی از قبیله بنی زبیدی، الصهباء از قبیله تغلیبه، مادر عمر الاطرف، ام سعید بنت عروه بن مسعود، مادر رمله (شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۵۴) و ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو مادر امام سجاد (ع)، ازدواج امام سجاد (ع) با کنیز آزادشده‌اش (مادر زید).

۱. «جویره» از کنیزان آزاد شده پیامبر اکرم (ع) بود (مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۸۹).





از میان همسران کنیز ائمه (ع) گروهی بودند که افزون بر همسری ائمه (ع) مادران ائمه نیز بودند؛ مانند حمیده یکی از همسران امّ ولد امام صادق (ع) که مادر امام کاظم (ع) است (بحرانی، ۱۴۰۹، ق، ج ۱۰، ص ۲۱). از روایات مختلف چنین استنباط می‌شود که امام موسیٰ کاظم (ع)، نجمه یا تکتم را که کنیزی مولده بوده و توسط حمیده مصفاه، مادر امام خریداری شده بود به همسری برگزید (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۶).

همسر بزرگوار امام رضا (ع) و مادر امام جواد (ع)، ام ولد ی به نام سبیکه یا خیزران معرفی شده است (شیخ مفید، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۱). همسر رسمی امام جواد (ع) ام فضل دختر مأمون بود که از او صاحب فرزند نشد (علوی، ۱۴۲۲، ق، ص ۱۲۸) و از همین رو، امام محمد تقی (ع) جاریه‌ای انتخاب نمود و از او صاحب چهار فرزند به نام‌های علی، خدیجه، ام کلثوم و حکیمه شد^۱ (طبری، ۱۴۱۳، ۳۹۷). کلینی با نقل یکی از روایات موثق شیعه، مادر امام هادی (ع) را کنیزی به نام «سمانه» معرفی کرده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۸۹). همسر امام هادی (ع) و مادر امام حسن عسکری (ع) کنیزی به نام حدیث یا سوسن (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ۴۸) از اهالی نوبه جنوب مصر بود. همسر ام ولد امام حسن عسکری (ع) و مادر حضرت مهدی (عج)، بانویی رومی به نام نرجس خاتون بود (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴) که زیر نظر حکیمه خاتون تربیت شده بود و نزد امام از احترام ویژه‌ای برخوردار بود. ائمه اطهار (ع) با ازدواج با این بانوان و فرزند دار شدن از آنان موقعیت و جایگاه آنان را در جامعه اسلامی ارتقا بخشیدند و بالاترین درجه برای کنیزان ام ولد که تربیت امامان معصوم بود را به آنها محول کردند.

۷. نتیجه گیری

بردگان در حجاز پیش از اسلام، پست‌ترین طبقه اجتماعی عرب را به حساب می‌آمدند و هیچ حرمت و جایگاهی در اجتماع نداشتند. اسلام سعی کرد با آگاهی بخشیدن به مردم با این سنت غلط مبارزه کند و با وضع قوانینی، برای رهایی تدریجی بردگان اقدام نماید. پیامبر اکرم (ص) در طول حیات خویش با سیره عملی خویش و همچنین با سخنانی در ذکر اهمیت آزادی بردگان، مسلمانان را به این امر ترغیب کردند.

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و با روی کار آمدن خلفا، نظام اشرافی گری و تبعیض قبیله‌ای

۱. البته، اقوال در باب تعداد فرزندان منسوب به امام جواد (ع) مختلف است (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۲۷).

و نژادی دوباره در جامعه اسلامی پدیدار گشت. با توجه به مدارک و شواهد تاریخی، چنین استنباط می‌شود که رویکرد حاکمان و جامعه اسلامی با رویکرد ائمه (ع) که منطبق بر قرآن بود، نسبت به بردگان اعم از غلامان و کنیزان - تفاوت اساسی داشته است؛ به طوری که غلامان و کنیزان خریداری شده در جامعه اسلامی، همچنان در جایگاه تحقیر گونه‌ای به سر می‌بردند؛ در حالی که ائمه (ع) با داشتن نگاهی انسانی بر گرفته از مبانی اسلام به بردگان و ضمن تکریم و آزاد کردن بردگان و ازدواج با کنیزان و با رفتار و سیره عملی خود، سعی کردند جایگاه بردگان و مقام کنیزان را به عنوان همسر و مادران امان معصوم (ع) در جامعه ارتقاء بخشند. ائمه اطهار (ع) نوعی راهکار عملی برای مقابله با برده‌داری در پیش گرفتند که این اقدامات و سپردن مسئولیت‌های مهم و حساس مانند وصایت در امور دینی و اقتصادی و انتخاب آنان به عنوان حافظ اسرار امامت موجب ارتقاء جایگاه اجتماعی این قشر در جامعه شد. همچنین ائمه (ع) از میان این بردگان محدثینی تربیت کردند که در شرایط ویژه مردم را رهنمون بودند.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۵۵). کامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران. (ترجمه: عباس خلیلی). تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن بابویه، محمد ابن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا. (چاپ اول). (ترجمه: مهدی لاجوردی). تهران: نشر جوان.
- ابن بابویه، محمد ابن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۵ ق). کمال الدین و تمام النعمة. (ترجمه: تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری). تهران: اسلامیه. چاپ دوم.
- ابن بابویه، محمد ابن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۵ ق). کمال الدین و تمام النعمة. (ترجمه: تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ابن سعد، محمد. (۱۳۷۵). طبقات. (ترجمه: محمود مهدوی). تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶ ق). مناقب آل ابی طالب. (تحقیق: جمعی از اساتید نجف اشرف). بی‌جا.
- ابن صباغ، علی بن محمد. (۱۴۲۲ ق). الفصول المهمة فی معرفة الائمة. قم: دارالحدیث.

ابن عبدربه، ابی عمر احمد بن محمد. (۱۳۷۲ ق). عقد الفرید. (تصحیح: محمد امین). قاهره: دارالکتاب العربی.

ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله. (۱۴۱۸ ق). عیون الاخبار. بیروت: دار الکتب العلمیه.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر قرشی. (۱۳۹۴ ق). البدایه والنهایه فی التاریخ. بیروت: دارالمعارف.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ ق). لسان العرب. (چاپ اول). قم: نشر ادب الحوزه.
ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۹۲). سیره النبویه (سیرت رسول الله). (ترجمه مسعود انصاری). قم: انتشارات مولی.

اربلی، علی بن عیسی. (بی تا). کشف الغمه فی معرفه الائمه. (ترجمه: علی بن عیسی زواره ای). تهران: نشر ادب الحوزه.

انصاری، مرتضی (شیخ مرتضی انصاری). (۱۴۱۱ ق). المکاسب. قم: چاپخانه خیام.
بحرانی، سید هاشم. (۱۴۰۹ ق). عوالم. قم: تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی (عج).
برقی، احمد بن محمد. (۱۳۴۲ ش). رجال البرقی. (مصحح: حسن مصطفوی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بوازار، مارسل. (۱۳۵۸). اسلام و حقوق بشر. (ترجمه: محسن مؤیدی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم. (تحقیق: مصطفی درایتی). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۳۸۶ ش). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. (تحقیق: سید محمد کلاتر). بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.

جعفریان، رسول. (۱۳۷۶). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام. قم: انصاریان.
جعفری، محمد تقی. (۱۳۹۰). حقوق جهانی بشر. تحقیق و تطبیق در دو نظام (از دیدگاه اسلام و غرب) و تطبیق آن دو بر یکدیگر، قم: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جواد علی. (۱۹۷۶ م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دار العلم للملایین. بغداد: مکتبه النهضه.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (شیخ حرّ عاملی). (۱۴۰۷ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه. (تحقیق: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث). چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (شیخ حرّ عاملی). (۱۴۱۲ ق). هدایت الامه الی احکام الائمه.

مشهد: مجمع البحوث الاسلاميه.

- حرّانی، حسن بن علی (ابن شعبه حرّانی). (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول. (مصحّح: علی اکبر عباسی). قم: جماعة المدرّسين في حوزة علميه قم
- حسینی، سید ابراهیم. (۱۳۸۳). حقوق بشر و چالش های فرارو در آئینه فلسفه حقوق اسلامی. نشریه معرفت. قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- حلّی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۹ ق). الجامع للشرایع. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- حیدری، احمد. (۱۳۸۷). بزرگ زنان صدر اسلام. قم: نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی. (بی تا). تاریخ بغداد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۹ ق). الخرائج و الجرائح. (چاپ اول). قم: مدرسه الامام المهدي.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (۱۴۱۲ ق). ربیع الابرار و نصوص الاخیار. (چاپ اول). بیروت: مؤسسه الا علمي للطبوعات.
- زیدان، جرجی. (۱۳۵۶ ش). تاریخ تمدن اسلام. (ترجمه: علی جواهر کلام). تهران: امیرکبیر.
- سید رضی. (۱۳۸۶ ش). نهج البلاغه. (چاپ اول). (ترجمه محمد دشتی). قم: نشر مشرقین.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. (ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی)، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۳۶۴ ش). تفسیر المیزان. (ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسين حوزة علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰). اعلام الوری. تهران: نشر اسلامیة.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). تاریخ الرسل و الملوك. (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران: انتشارات اساطیر.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۳ ق). دلائل الامامه. قم: نشر بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۴ ش). تهذیب الاحکام فی شرح مقنعه شیخ مفید. (ترجمه: علی آخوندی). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الامامیه. (محقّق: محمد باقر بهبودی). تهران: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ ق). الغیبة. بنیاد معارف اسلامی قم. تهران: مکتبه نینوی.
- علوی، علی بن محمد. (۱۴۲۲ ق). المجدی فی انساب الطالبین. (چاپ دوم). قم: مکتبه آیه الله



- مرعشی النجفی.
- غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۷۴ ش). کیمیای سعادت. (به کوشش حسین خدیوچم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی ایران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. (تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای). بی جا: دارالهجره.
- قربانی، زین العابدین. (۱۳۷۲). اسلام و حقوق بشر. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- قرشی، باقر. (۱۴۱۳ ق). حیاة الأمام موسی بن جعفر، بی جا.
- قمی، عباس. (شیخ عباس قمی). (۱۴۱۲ ق) منتهی الامال. (چاپ پنجم). قم: انتشارات هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲). الکافی. (چاپ چهارم). علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لوبون، گوستاو. (۱۳۵۸). تمدن اسلام و غرب. (ترجمه: سید هاشم حسینی). تهران: انتشارات اسلامیة.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم والمواعظ. (مصحح: حسین حسینی بیرجندی). قم: انتشارات دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳). بحار الانوار. (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۰ ش). مروج الذهب و معادن الجواهر. (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۱۷ ق). اثبات الوصیه. قم: انصاریان.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. (چاپ پنجم). تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). بردگی در اسلام. (چاپ اول). تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۶۸). منهاج الصالحین. قم: موسسه اسلامی خوئی.
- موتسکیو، شارل. (۱۳۶۲). روح القوانين. (چاپ هشتم). ترجمه: علی اکبر مهدی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرشریفی، سیدعلی. (۱۳۹۵). سرنوشت اسیر در اسلام. تهران: انتشارات سمت.
- نجفی، محمد حسن. (صاحب جواهر). (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (ترجمه: عباس قوجانی). تهران: موسسه نشر اسلامی.